

آسیب‌شناسی پیشگیری انتظامی از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان خیابانی^۱

لطفعلی بختیاری^۲

صیاد درویشی^۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۹/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۹/۷/۵

فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا / سال پنجم / شماره هفدهم - پاییز ۱۳۹۹ * ۶۰-۲۵

چکیده

یکی از آسیب‌های جدی جوامع در حال توسعه، گسترش روزافزون کودکان خیابانی است که اغلب از طریق تکدی، بزهکاری، شغل‌های کاذب فصلی و ... امرار معاش می‌کنند. تأمین امنیت از سوی پلیس برای این قشر آسیب‌پذیر، با توجه به نوع اقدامات پیشگیرانه متناسب با این گروه، بدون شناسایی آسیب‌های درون و برون‌سازمانی میسر نخواهد شد؛ از این رو، هدف اصلی این پژوهش، شناسایی آسیب‌های پیشگیری انتظامی از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان خیابانی به منظور سنجش وضعیت موردانتظار برای نیل به شرایط ایده‌آل است. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش جمع‌آوری اطلاعات، توصیفی (کیفی - اکتشافی) است. جامعه آماری تحقیق شامل فرماندهان، مدیران و خبرگان است که در حوزه پیشگیری انتظامی پلیس دارای سابقه فعالیت بوده‌اند و برای انتخاب نمونه نیز از روش هدفمند قضاوتی و گلوله‌برفی استفاده شده است. این تحقیق با انجام ۲۵ مصاحبه و سپس داده‌ها به روش تحلیل تم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بر اساس طبقه‌بندی سه‌شاخگی میرزایی در سه بعد ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای دسته‌بندی شد. تعداد ۴ مولفه یا تم اصلی در "بعد ساختاری" شامل ساختار، اهداف و راهبرد سازمانی، فرآیندها و روش‌ها، منابع مادی و مالی؛ تعداد ۴ مولفه یا تم اصلی در "بعد رفتاری" شامل آموزش، انگیزه، تجربه و مهارت، و فرهنگ سازمانی؛ تعداد ۵ مولفه یا تم اصلی در "بعد زمینه‌ای" شامل اجتماعی و فرهنگی، ارباب‌رجوع، زیرساخت‌ها و مبادی پشتیبانی‌کننده، بسترهای قانونی و حقوقی و تعامل با محیط علمی بیرونی شناسایی شد. نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل تم و مولفه‌ها و شاخص‌های آسیب پیشگیری انتظامی از جرایم کودکان خیابانی نشان می‌دهد که بین وضعیت موجود پیشگیری با وضعیت مورد

۱. این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی با حمایت دانشگاه علوم انتظامی امین است.

۲. abakhti51@yahoo.com

۳. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

۳. استادیار مدیریت دانشگاه علوم انتظامی امین و عضو انجمن علمی پژوهش‌های انتظامی ایران (نویسنده مسئول)

s49darvishi@gmail.com

انتظار بر اساس قواعد و استانداردهای بین‌المللی حقوق کودکان و نوجوانان و فرآیند اقدامات پیشگیرانه از جرایم کودکان خیابانی در ۸۵ شاخص یا آسیب شناسایی شده، فاصله زیادی وجود دارد و در پایان نیز پیشنهادهاتی برای اصلاح و تقویت شاخص‌های به‌دست آمده از سوی محققان مطرح شده است.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، پیشگیری انتظامی، عوامل ساختاری، عوامل رفتاری، عوامل زمینه‌ای، کودکان خیابانی

مقدمه

از آنجا که بخش زیادی از پدیده‌های نابهنجار از کنش و واکنش‌های درون نظام اجتماعی برمی‌خیزد، آن را به‌طور عام، "مسئله اجتماعی" می‌نامند (سیف‌اللهی، ۱۳۸۱: ۳۸۸)؛ بنابراین، مسائل اجتماعی مجموعه‌ای از آسیب‌ها، انحرافات و جرایم اجتماعی هستند و تفکیک آنها بر اساس هنجارهای رسمی و عمومی مشخص می‌گردد. در تفکیک جرم و بزهکاری، رفتار انحرافی جوانانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، "بزهکاری" نامیده می‌شود و جوانان مرتکب این رفتارها را نیز "بزهکار" می‌نامند (احمدی، ۱۳۸۴).

یکی از آسیب‌های جدی جوامع در حال توسعه، گسترش روز افزون کودکان خیابانی است که به دلایل گوناگون، بخشی یا همه اوقات خود را در خیابان‌ها سپری می‌کنند و اغلب از طریق تکدی، بزهکاری، شغل‌های کاذب فصلی و ... امرار معاش می‌کنند. کودکان خیابانی در سطح جهانی با چالش‌های مراقبت‌های بهداشتی مواجه هستند (امگا، ۲۰۱۹) و این پدیده به‌گونه‌ای آشکار در حال رشد است و به بسیاری از بی‌نظمی‌های اجتماعی، بیماری‌های فردی، رفتارهای نامناسب، ناهنجاری‌های اجتماعی و نظایر آن منجر شده است و خواهد شد و این دور تسلسل همچنان ادامه خواهد یافت (شیخی ۱۳۸۳: ۳۶). شکی نیست که کودکان ضعیف و وابسته، کشورها را ضعیف و وابسته می‌سازند و در مقابل، کودکان قدرتمند و بهره‌مند از حقوقشان، جوامعی خود اتکا و مستقل پدید می‌آورند (یونیسف، ۱۳۸۴).

در عصر حاضر، سرعت در تغییر و تحولات محیطی - اعم از تغییرات فناوری و تغییرات اجتماعی در حوزه ارتباطات اجتماعی - سبب گردیده است که آسیب‌شناسی برنامه‌ها و اقدامات

در سازمانی مانند پلیس که مسئولیت استقرار نظم، امنیت و حقوق جامعه را برعهده دارد، شکل جدیدتری به خود بگیرد. تأمین امنیت در سطوح مختلف اجتماعی، از جمله کودکان - به‌ویژه کودکان خیابانی که در معرض هرگونه بزه‌دیدگی و بزهکاری قرار دارند - در سازمان پلیس، با توجه به تنوع مأموریتی و نوع اقدامات پیشگیرانه متناسب با این قشر آسیب‌پذیر، بدون توجه به عوامل درون و برون‌سازمانی و بدون شناسایی آسیب‌ها بر مبنای اسناد و قوانین بین‌المللی و داخلی در رابطه با کودک میسر نخواهد شد؛ بنابراین، در تحقیق پیش رو، عوامل، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی که در ابعاد مختلف سازمانی و فراسازمانی، می‌تواند به‌عنوان آسیب در اقدامات پلیس در پیشگیری از بزهکاری کودکان خیابانی ایفای نقش کند، مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته‌است.

کودکان خیابانی کودکانی هستند که در خیابان زندگی و کار می‌کنند؛ خانواده ندارند یا امکان دسترسی به خانواده برای برخی از آنها وجود ندارد. در مواردی، بازگشت آنها به خانواده امکان دارد و خانواده نیز منتظر بازگشت آنها هستند و در مواردی نیز خانواده منتظر آنها نمی‌باشد (ملکی، ۱۳۸۵: ۳) کودکان خیابانی، همچنین، شامل کودکانی می‌شوند که خیابان را خانه خود می‌دانند و رابطه آنها با خانواده به حداقل رسیده‌است و یا اساساً ارتباطی میان آنها و خانواده وجود ندارد. برخی از این کودکان، جذب باندهای مخوف سرقت و توزیع مواد مخدر می‌شوند و در افزایش ناامنی در شهرها ایفای نقش می‌کنند یا مراوده آنها با افراد خلافکار، زمینه انحراف آنها را به جامعه مجرمین هموار می‌سازد. هرچند متولی اصلی کودکان خیابانی، وزارت رفاه، کار و امور اجتماعی است ولی آسیب‌های اجتماعی ناشی از حضور این کودکان، توقع مردم از پلیس را برای اقدام مناسب در جهت ساماندهی آنها افزایش داده‌است.

از منظر جرم‌شناسی و سطوح پیشگیری از جرایم، کودکان خیابانی جزو گروهی هستند که در معرض بزهکاری قرار دارند. از طرف دیگر، به جهت زمینه‌های موجود و بالقوه بزه‌دیدگی در این گروه خاص، میزان احتمال بزه‌دیدگی در کودکان خیابانی بسیار بالاست و شاید بتوان گفت که میزان بزه‌دیدگی آنها بسیار بالاتر از میزان بزهکاری ایشان است. ضعف حمایت‌های خانواده، نبود سرپرست، نبود حمایت از سوی جامعه و نهادهای رسمی و غیررسمی و نبود پیگیری‌های قضایی از سوی این گروه، به‌جهت ناتوانی و یا ترس، میزان جرایم و آمارهای سیاه را در این قشر خاص به‌شدت افزایش داده‌است. درحقیقت، گروهی که امروزه، به‌عنوان کودکان خیابانی ممکن است در معرض بزهکاری و تکرار بزهکاری از یکسو و بزه‌دیدگی و تکرار بزه‌دیدگی مکرر

قرار گرفته باشند، از بزرگسالان آینده این جامعه هستند که قرار است با کوله‌باری از تجربیات ناهنجار، در کنش‌های متقابل و روابط اجتماعی جامعه نقش‌آفرینی نمایند.

پلیس در رویکردهای خود در عرصه پیشگیری از جرایم، با استفاده از ظرفیت سازمانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های فراسازمانی و محیطی، برنامه‌های جدی‌تری را در یک دهه اخیر در رابطه با کنترل و مهار جرایم انجام داده‌است و می‌توان گفت که اقدامات پیشگیرانه پلیس، به‌طور کلی و فارغ از تقسیم‌بندی‌های متنوع پیشگیری، در سه حوزه پیشگیری کیفری، وضعی و اجتماعی قابل تبیین است. با وجود اینکه در این عرصه، چالش‌ها، موانع و مشکلات بسیاری به‌لحاظ ساختاری و محیطی، فرا روی پلیس قرار دارد، اما اقدامات پیشگیرانه در حوزه جرایم کودکان خیابانی از شرایط خاصی برخوردار است که ممکن است دامنه این چالش‌ها را فراتر از چالش‌های پیش رو در رابطه با پیشگیری از جرایم بزرگسالان قرار دهد و این به‌لحاظ شرایط سنی، قوانین مرتبط با سنین کودکی و نوجوانی، وضعیت خاص حمایتی این قشر آسیب‌پذیر از جامعه و سایر علل و عواملی است که باید شناسایی شوند و بر اساس آن، راهکارهای عملی و اجرایی برای کیفی‌سازی اقدامات پلیس در پیشگیری از جرایم کودکان خیابانی ارائه گردد.

مواد قانونی پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹) در حمایت از کودکان، به‌دنبال آن است که حقوق کودکان را در تمامی دولت‌های عضو تضمین نماید. درحقیقت، کودکان در مرحله اول، "بزه‌دیده" می‌شوند و سپس با مباشرت اجباری "بزه‌کار" می‌شوند. تحقیقات نشان می‌دهد که بین بزه‌دیدگی و بزه‌کاری بعدی رابطه وجود دارد (پترسون و همکاران، ۲۰۱۹)؛ بر این اساس، به استناد این کنوانسیون، حکومت‌ها باید با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی و آموزشی، کودکان را در مقابل هرگونه رفتار سهل‌انگارانه، سوءاستفاده و بهره‌کشی جنسی، تجاوز جسمی یا روانی، استثمار اقتصادی، اعتیاد، بهره‌کشی مواد مخدر و ... حمایت کنند (پیمان‌نامه حقوق کودک، ۱۹۸۹، مواد ۱۹، ۳۳ و ۳۴).

درحال حاضر، سازمان‌هایی که در فرآیند عدالت کیفری و عدالت ترمیمی در رسیدگی به بزه‌دیدگی یا بزه‌کاری کودکان ایفای نقش می‌نمایند، متأثر از قوانین الزام‌آور یا ارشادی بین‌المللی و قوانین داخلی، مبادرت به ایجاد ساختار، تصویب قوانین، اجرای آموزش‌های داخلی، شناخت و تطبیق با محیط بیرونی نموده‌اند. در این رابطه، می‌توان به تشکیل دادگاه اطفال اشاره نمود که تا حدودی رویکرد تخصص‌گرایی در عدالت کیفری را محقق ساخته‌است؛

حال آن‌که این اقدامات، کم‌رنگ به نظر می‌رسد و با آسیب‌هایی روبه‌روست که ضرورت دارد توسعه داده شود. مطالعات پیشین نشان می‌دهد که برای بررسی و شناخت آسیب‌های سازمانی، از الگوهای گوناگونی نظیر الگوی تحلیل چرخه نیرولویین (۱۹۵۱)، الگوی الماس لویت (۱۹۵۱)، الگوی تحلیل سیستم لیکرت (۱۹۷۱)، الگوی هاریسون (۱۹۹۲)، الگوی تریکورد (۲۰۰۵)، الگوی آسیب‌شناسی رفتار فردی و گروهی (۱۹۸۹) استفاده گردیده‌است که هر کدام از آنها عوامل سازمانی و محیطی مؤثر بر آسیب‌های سازمانی را از زوایای مختلفی مورد بررسی و تأکید قرار می‌دهند. در این مطالعه، با توجه به نوع آسیب برنامه‌های انتظامی پلیس در پیشگیری از جرایم کودکان خیابانی، از الگوی سه‌شاخگی (میرزایی، ۱۳۷۷) استفاده گردیده‌است و تلاش شده‌است تا بر اساس بهره‌گیری از این الگو - که تقریباً تمام عوامل و آسیب‌های مرتبط با اقدامات و برنامه‌های پیشگیرانه پلیس در پیشگیری از جرایم کودکان خیابانی را مورد بررسی قرار می‌دهد - به این پرسش اساسی پاسخ دهد که «آسیب‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان خیابانی کدامند؟» همچنین، در جستجو برای یافتن پاسخ سوال اصلی، به سوالات فرعی زیر نیز پاسخ داده خواهد شد:

- ۱- آسیب‌های ساختاری (کالبدی) پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان خیابانی کدامند؟
- ۲- آسیب‌های رفتاری (محتوایی) پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان خیابانی کدامند؟
- ۳- آسیب‌های زمینه‌ای (احاطه‌کنندگی) پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان خیابانی کدامند؟
- ۴- راهکارهای مؤثر برای کاهش آسیب‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان خیابانی کدامند؟

مبانی نظری تحقیق

آسیب‌شناسی

آسیب‌شناسی فرآیندی است نظام‌مند از جمع‌آوری داده‌ها به منظور تعامل اثربخش و سودمند در راستای حل مشکلات، چالش‌ها، فشارها و محدودیت‌های محیطی در سازمان (مانزینی، ۲۰۰۵). آسیب‌شناسی بر پایه اطلاعات جهت تجزیه و تحلیل و شناخت دقیق‌تر ساختار، تعاملات، رویه عمل‌ها و روش‌ها، سبک‌های مدیریتی و سایر عناصر نظام چاره‌جو، لازم و ضروری است (برومند، ۱۳۸۰). آسیب‌شناسی سازمانی نیز فرآیند استفاده از مفاهیم و روش‌های

علوم رفتاری به منظور تعریف و توصیف وضع موجود سازمان‌ها و یافتن راه‌هایی برای افزایش اثربخشی آنها می‌باشد (هاریسون، ۲۰۰۵: ۶) که باید بر مبنای الگوها یا نظریه‌های مناسب پیگیری شود (مارتل و ریچارد، ۲۰۱۰: ۱۵۵-۱۵۱).

برخی از پژوهشگران معتقدند که آسیب‌پذیری‌ها را می‌توان در قالب سه دسته عوامل رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای، بررسی و تجزیه و تحلیل نمود. منظور از عوامل رفتاری، تمام عوامل مربوط به نیروی انسانی است که محتوای سازمان را تشکیل می‌دهد؛ مانند انگیزش، روحیه کار و رضایت شغلی. شاخه ساختاری دربرگیرنده همه عناصر، عوامل و شرایط فیزیکی و غیرانسانی سازمان است که با نظم، قاعده و ترتیب خاصی به هم پیوسته‌اند و چارچوب و قالب فیزیکی و مادی سازمان را می‌سازند. عوامل زمینه‌ای شامل محیط و شرایط بیرونی است که سبب‌ساز عوامل رفتاری و ساختاری هستند. ابهام در اهداف، قوانین و مقررات، پراکندگی خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها و ماهیت ساختارها و ... نیز از جمله علل ساختاری می‌باشد (خنیفیر، ۱۳۸۴: ۱۲۸).

چارچوب‌های فکری که دست‌اندرکاران تحول سازمانی برای ارزیابی سازمان به کار می‌برند، الگوهای آسیب‌شناسی نامیده می‌شوند. الگوهای آسیب‌شناسی در برنامه تحول سازمانی نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند (فرهنگی، ۱۳۷۹: ۱۴۸)؛ از این رو، پژوهشگران و صاحب‌نظران، الگوهایی برای آسیب‌شناسی سازمانی معرفی نموده‌اند که در آنها آسیب‌شناسی سازمانی از زوایای مختلف مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است (توکلی دارستانی و مرادی، ۱۳۸۷: ۲۸). مهم‌ترین الگوهای آسیب‌شناسی سازمانی عبارتند از الگوی مالکوم بالدريج، الگوی هفت اس مکنزی، الگوی سببی بورک و لیتوین، الگوی EFQM، الگوی شش جعبه‌ای وایزبوردر، الگوی تحلیل سه‌شاخگی؛ که در این مطالعه، از الگوی سه‌شاخگی استفاده گردیده است.

الگوی سه‌شاخگی در طبقه‌بندی الگوها، در شمار الگوهای منطقی است و بسیاری از مفاهیم، رویدادها و پدیده‌ها را می‌توان در قالب نظری سه‌شاخگی (ساختار، رفتار و زمینه) مورد بررسی، مطالعه و تجزیه و تحلیل قرارداد. علت نامگذاری این الگو به سه‌شاخگی آن است که ارتباط بین عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای به‌گونه‌ای می‌باشد که هیچ پدیده یا رویداد سازمانی نمی‌تواند خارج از تعامل این سه شاخه صورت گیرد (پیدایی، ۱۳۹۱: ۶۹). در خصوص شناخت عوامل سه‌گانه الگوی سه‌شاخگی، مطالعات گوناگونی وجود دارد که در جدول شماره ۱ به برخی از آنها اشاره شده است.

جدول ۱. مهم‌ترین مؤلفه‌های عوامل ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای

عوامل	مؤلفه‌ها
ساختاری	ساختار سازمانی، اهداف و راهبرد سازمانی، فنی و فناوریانه، فرآیندها و روش‌ها، منابع مادی، مالی، اطلاعاتی
زمینه‌ای	سلسله‌مراتب، تعامل منطقی با محیط علمی بیرونی، محیط‌شناسی برای هم‌راستاسازی منافع نهادی با منافع سازمان‌های هم‌ردیف، بالادستی و دیگران، بسترهای قانونی و حقوقی، منابع و مبادی پشتیبانی‌کننده
رفتاری	فرهنگ سازمانی، سبک مدیریت و رهبری، انگیزه و رضایت شغلی، آموزش، تجربه و مهارت، تکلیف‌گرایی و خودکنترلی

(منبع: میرزایی اهرنجانی، ۱۳۷۷)

پیشگیری از جرم

در ماده یک قانون پیشگیری از جرم، پیشگیری از وقوع جرم "پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن" تعریف شده است. تعریفی که در خصوص پیشگیری از جرم توسط مرکز پیشگیری از جرم در استافورد^۱ انگلستان ارائه شده است نیز به این نحو است: «پیشگیری از جرم، پیش‌بینی، شناسایی و برآورد خطر جرم و ابداع اقداماتی برای از بین بردن یا کاهش آن است» (کی‌نیا، ۱۳۷۳؛ به نقل از دوستانی، ۱۳۹۰: ۲۸). انریکوفری یکی از پرچم‌داران مکتب اثباتی با بینشی میانه‌رو و خوش‌بینانه، یک رشته تدابیر دفاع اجتماعی را که هم‌زمان بتواند دربرگیرنده فرد بزهکار و محیط اجتماعی باشد، پیشنهاد نموده است. به نظر او محیط اجتماعی باید به گونه‌ای سازمان یابد که پیشگیری از وقوع جرم در آن ملحوظ باشد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳: ۷۴۷).

تعریف پیشگیری از جرم از نظر اکبلوم (۲۰۰۵) عبارت است از: «کاهش خطر وقوع و شدت بالقوه جرم و بی‌نظمی از طریق مداخله در علل آن». برخی از جرم‌شناسان، مفهوم وسیعی برای پیشگیری قائل شده‌اند و گروهی دیگر، پیشگیری را در مفهوم محدود و مضیق به کار می‌برند.

1. Stafford

مطابق مفهوم موسع، انجام هر اقدامی که برضد جرم بوده و آن را کاهش دهد، پیشگیری محسوب می‌شود. براساس این برداشت، انواع تدابیر کیفری و غیر کیفری - چه مربوط به قبل و چه مربوط به بعد از وقوع جرم - پیشگیری محسوب می‌شوند؛ براین اساس، این مفهوم طیف وسیعی از اقدامات کیفری و غیر کیفری را دربرمی‌گیرد (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۳: ۸۳۷).

قدیمی‌ترین نوع پیشگیری، پیشگیری از بزهکاری کودکان و پیشگیری از بزهکاری عمومی است. طبق این تفکیک، در مورد کودکان و نوجوانان بزهکار که شخصیت آنها در حال شکل‌گیری است، باید از تدابیر پرورشی و بازپروری استفاده کرد؛ درحالی‌که در مورد بزهکاران بزرگسالان باید از ارباب‌انگیزی و تهدید به مجازات استفاده شود؛ زیرا شخصیت آنها شکل گرفته است (ریموندگسن، ۱۳۷۴؛ به نقل از فرموند، ۱۳۹۲: ۴۳). به‌هرحال، این تنوع روش‌های پیشگیری بیانگر آن است که بزهکاری از محدوده صرف حقوقی، قضایی و پلیسی خارج شده است و مقابله مؤثر با آن، از یک‌سو، همکاری و مشارکت نهادهای دولتی و تشکل‌های مردمی را می‌طلبد و از سوی دیگر، مستلزم ایجاد تحول و نوآوری در استراتژی‌ها، ابزارها و نهادهای سنتی و متداول مقابله با جرم است (میرزایی مطلق، ۱۳۸۱؛ به نقل از بخشایشی بایقوت، ۱۳۹۱: ۲۹). در تعریفی دیگر، پیشگیری به مجموعه وسایل و ابزارهایی اطلاق می‌شود که جامعه برای مهار بهتر بزهکاری از طریق حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا و یا از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیط فیزیکی و محیط اجتماعی موجد فرصت‌های جرم، مورد استفاده قرار می‌دهد (علیوردی‌نیا، ۱۳۹۳: ۳۸).

کودکان خیابانی

یونیسف کودکان خیابانی را پسران و دخترانی تعریف می‌کند که کمتر از هجده سال سن ندارند (گودمن و آگر، ۲۰۱۹). کودکان خیابانی در خیابان زندگی و کار می‌کنند، خانواده ندارند و یا امکان دسترسی به خانواده برای برخی از آنها وجود ندارد. درخصوص برخی از آنها، بازگشت به خانواده امکان دارد و خانواده نیز منتظر بازگشت آنها است و درخصوص برخی از آنها، خانواده منتظر آنها نمی‌باشد (ملکی، ۱۳۸۵: ۳). برخی از این کودکان در شرایط ناامن، قربانی آزارهای جسمی و جنسی می‌شوند (شاوردی، ۱۳۸۳: ۲۱). رفتار انحرافی کودکانی که هنوز به سن قانونی نرسیده‌اند، بزهکاری نامیده می‌شود. رفتار بزهکارانه، طیف گسترده‌ای

از انحرافات اجتماعی است که هم شامل رفتارهایی نظیر فرار از مدرسه می‌شود که از نظر اجتماعی پذیرفته شده نیست و هم شامل اعمال غیرقانونی نظیر سرقت است (احمدی، ۱۳۸۴). کودکان خیابانی قربانی شرایط نامساعد خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه هستند. بزه‌دیدگی این کودکان ابعاد بسیار وخیم و گسترده‌ای دارد؛ مانند خرید و فروش این کودکان، سوءاستفاده جنسی، اعمال خشونت‌آمیز، آزار جنسی یا روانی و قتل. اصولاً یکی از شاخص‌های بین‌المللی توسعه‌یافتگی شناخته شده از سوی سازمان بهداشت جهانی و سازمان یونیسف، چگونگی وضعیت کودکان در یک کشور است (یونیسف، ۱۳۸۰: ۶۲). طبق نظر یونیسف، کودکان خیابانی با واقعیت تلخ جدایی از خانواده و خطر از دست دادن امکانات اساسی همچون بهداشت و آموزش مواجه هستند (صالح، ۱۳۷۹: ۱۴۵-۱۴۴). کودکان خیابانی، اغلب کودکان مطرود هستند و بسیاری از آنها به اعمالی از قبیل فرار از خانه، مدرسه، دزدی، لججاری، کتک‌کاری و رفتارهای ناشایست دیگر دست می‌زنند. کودکی که با نفرت و خصومت مواجه شود، متقابلاً نفرت و خصومت بروز خواهد داد (معظمی، ۱۳۸۲: ۱۲). به عبارت دیگر، کودکان در خیابان تهدیدی برای خود و جامعه به شمار می‌روند؛ پس باید اقداماتی اختصاصی توسط دولت و سایر ذی‌نفعان انجام شود تا تهدید را به مرحله عمل نرسانند (اووبا^۱ و همکاران، ۲۰۲۰).

پیشینه پژوهش

حسینی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان "وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران" نشان می‌دهد که عواملی چون نارسایی نهادهای اجتماعی‌کننده (مثل خانواده و مدرسه)، فقر اقتصادی خانواده‌های کودکان خیابانی و ناتوانی آنها در انطباق با شیوه‌های زندگی شهری، آلودگی و آسیب‌زا بودن حاشیه شهرها، فقدان نظارت کافی از سوی سازمان‌های مسئول و الگوی نادرست کنش متقابل بین شهروندان و کودکان خیابانی در بروز پدیده کودکان کار موثر بوده‌اند. سنجر (۱۳۸۲) در بررسی‌ای با عنوان "علل فرار نوجوانان از خانه" که به شیوه پیمایشی در بین ۵۰ نوجوان ۱۲ تا ۱۸ سال انجام پذیرفته‌است، نشان می‌دهد که فقر مالی و فرهنگی، کمبود محبت، سختگیری، تبعیض، نبود تفاهم در میان افراد خانواده، خشونت‌های خانوادگی، دعوای تمام نشدنی پدر و مادر یا سرپرستان و نیز خلافتکاری افراد خانواده، در فرار نوجوانان از خانه موثر است.

نتایج تحقیق ستار و یاسمین^۱ (۲۰۱۹) با عنوان "تحلیل عوامل اقتصادی - اجتماعی، فقر اجتماعی و کاهش میزان کودکان خیابانی در پیشاور پاکستان" بر روی ۱۰۰ کودک در شهر پیشاور که به روش گلوله‌برفی انتخاب شده بودند، نشان داد که اصلی‌ترین عامل - یعنی ۸۳/۶٪ - نزد کودکان در انتخاب خیابان نسبت به مدارس، فقر شدید خانواده است. طبق یافته‌های این تحقیق، ۷۸٪ از این کودکان، مواد مخدر مصرف کرده بودند و ۳۸٪ از آنها انواع مختلفی از اعتیاد داشتند و ۹۲٪ آنها نیز از سوءاستفاده و خشونت رنج می‌بردند. بیش از نیمی از پاسخ‌دهندگان امداد و کمکی دریافت نکرده‌اند و ۲۵٪ به جرم سرقت و ۴۰٪ به جرم موادمخدر سابقه دستگیری توسط پلیس را داشته‌اند.

تحقیق دیگری که توسط یونیسف (۲۰۰۱) انجام گرفت نیز نشان می‌دهد که کودکانی که هم در خانه و هم در خیابان می‌خوابیدند، احتمالاً بیشتر از سایر گروه‌ها مشروبات مصرف می‌کردند و بیشتر از ۱/۴ (۲۶/۲٪) از کودکان خیابانی گزارش کردند که در ۶ ماه گذشته، روابط جنسی داشته‌اند.

کرال و همکاران (۱۹۹۳) در تحقیقی که به منظور ارزیابی شیوع رفتارهای پر خطر جنسی (ایدز) و سوءمصرف مواد در بین نوجوانان فراری و رانده شده در سانفرانسیسکو، دنور و نیویورک به شیوه تحقیق پیمایشی و بر روی ۷۷۵ نفر از نوجوانان خیابانی در طی سال‌های ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۳ انجام داده‌اند، به این نتیجه رسیدند که نزدیک به ۹۸٪ از نوجوانان مورد مطالعه، درگیر روابط جنسی بوده‌اند، ۹۷٪ از آنها، الکل و موادمخدر مصرف می‌کردند و ۲۱٪ از آنها نیز مواد تزریقی می‌کردند.

نتایج مطالعه بارون و کندلی^۲ (۱۹۹۸) نیز در خصوص بررسی اثرات تهدید مجازات رسمی بر رفتار مجرمانه جوانان خیابانی و مطرود نشان می‌دهد که جوانان متخلف، کاملاً در شیوه‌های زندگی خود غوطه‌ورند و از دوستان خلافکار و مواد تغذیه می‌شوند و از جامعه متعارف و معمولی کناره‌گیری می‌کنند.

در زمینه پیشینه اقدامات پلیس در پیشگیری از بزه‌کاری کودکان و نوجوانان نیز باید گفت که پلیس در راستای تحقق اهداف و وظایف خود در زمینه پیشگیری از جرم و در چارچوب راهبردهای نوین با تمرکز بر پیشگیری وضعی و اجتماعی، اقدامات و برنامه‌های زیادی را

1. Sattar & Yasmeen
2. Baron & Kendely

در سطوح اجرایی و درجهت پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان اجرا می‌نماید؛ اما به نظر می‌رسد که این‌گونه برنامه‌های متمرکز بر هشدار و آگاهسازی که ناظر بر اصلاح رفتاری است، بیشتر در مورد کودکانی است که از حمایت خانواده‌ها و سرپرستان برخوردار می‌باشند؛ همچنین، با وجود تلاش‌های بسیار، باید اذعان نمود که این اقدامات در مقایسه با اسناد بین‌المللی و داخلی دارای نقصان و خلأهای فراوان است و کودکان خیابانی نیز - که موضوع این مطالعه و پژوهش هستند - از این برنامه‌های پلیسی کمتر بهره‌مند گردیده‌اند. از سوی دیگر، این‌گونه برنامه‌ها نمی‌تواند نگاهی افتراقی به شیوه‌های پیشگیری از بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان و نوجوانان - به صورت اعم - و کودکان خیابانی - به صورت اخص - را که در اسناد حقوق کودک موجود است، محقق سازند؛ همچنین، برنامه‌ها و اقدامات پیشگیری انتظامی یا پلیسی در پیشگیری از بزهکاری کودکان، بسیار جزئی است و از نظر کمیت و کیفیت، با ابعاد مختلف پیشگیری اجتماعی، وضعی و کیفری فاصله زیادی دارد.

دانش‌افزایی و نوآوری تحقیق

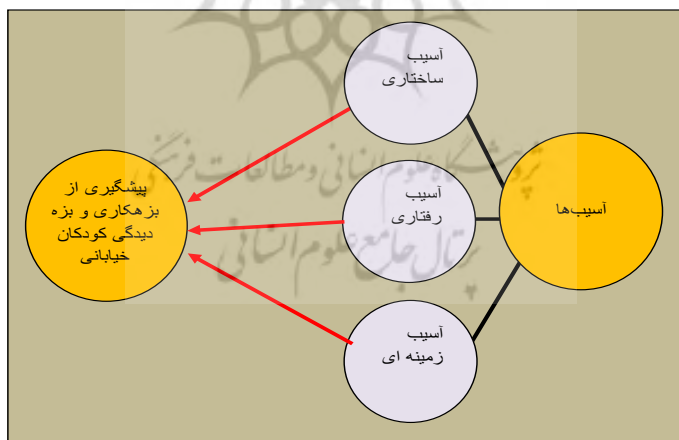
پلیس در راستای تحقق اهداف و وظایف خود در زمینه پیشگیری از جرم و در چارچوب راهبردهای نوین با تمرکز بر پیشگیری وضعی و اجتماعی، اقدامات و برنامه‌های زیادی را در سطوح اجرایی و درجهت پیشگیری از بزهکاری کودکان و نوجوانان اجرا می‌نماید. نتایج این تحقیق وضعیت موجود و آسیب‌های پیشگیری انتظامی از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی را شناسایی و در ادبیات علمی پلیس برجسته می‌نماید. همچنین، نتایج این تحقیق می‌تواند رویکرد راهبردی و آینده‌نگرانه پلیس در طراحی برنامه‌ها و اقدامات سازمانی در پیشگیری با استفاده از ظرفیت‌های سازمانی و فراسازمانی را تقویت نموده و نقاط ضعف سازمانی و بهره‌گیری مناسب از ظرفیت‌های محیطی را بهبود ببخشد.

چارچوب نظری و الگوی مفهومی پژوهش

با توجه به آنچه که در مبانی نظری و پیشینه پژوهش بیان گردید، الگوهای گوناگونی در حوزه آسیب‌شناسی سازمانی مطرح گردیده‌است که در همه آنها، تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در تعیین عوامل و عناصر آسیب‌زا دیده می‌شود اما برخی از اندیشمندان و پژوهشگران حوزه آسیب‌های سازمانی معتقدند که پدیده سازمان و بررسی آسیب‌های سازمانی را می‌توان در قالب سه

دسته عوامل - رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای - بررسی و تجزیه و تحلیل نمود. این سه عامل تقریباً تمامی جوانب امر و به صورت کل نگرانه، عوامل آسیب‌زای سازمان را مورد مطالعه قرار می‌دهند (میرزایی، ۱۳۷۷: ۳۱۶). این دسته عوامل - که در قالب "الگوی سه‌شاخگی" تدوین گردیده‌اند - ابعاد اساسی این پژوهش را تشکیل می‌دهند.

پیشگیری از جرم به صورت عام، یکی از وظایف محوری و اساسی پلیس در تأمین امنیت عمومی و تحقق اهداف و رسالت سازمانی محسوب می‌گردد و با توجه به اینکه تمامی عوامل سازمانی و فراسازمانی نقش مهمی را در تحقق برنامه‌های پیشگیری از جرم ایفا می‌نمایند، انجام پژوهش با هدف شناسایی آسیب‌های پیشگیری از بزه‌کاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی در چارچوب این سه عامل، می‌تواند نتیجه متقنی را به دست دهد؛ به ویژه در مورد کودکان خیابانی - که عوامل محیطی نقش پررنگی را در بزه‌کاری و کج‌روی آنان ایفا می‌نماید - پرداختن هم‌زمان به عوامل سازمانی و فراسازمانی می‌تواند آسیب‌های پیشگیری را در مهار این کج‌روی‌ها، بهتر نمایان سازد؛ بنابراین، در تحقیق حاضر، الگوی تحلیلی - کاربردی سه‌شاخگی که به نوعی می‌تواند آسیب‌های پیشگیری از بزه‌کاری کودکان خیابانی را به صورت جامع مورد شناسایی قرار دهد، انتخاب گردید و الگوی مفهومی و اولیه پژوهش بر مبنای الگوی سه‌شاخگی برابر شکل ۱ طراحی و ترسیم گردید:



شکل ۱. الگوی مفهومی اولیه پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث بعد محیط، میدانی و بر اساس کاربردی بودن نتایج، پژوهشی کاربردی و از نوع مقطعی است؛ همچنین، با توجه به موضوع، توصیفی - تحلیلی می‌باشد و در آن، با توجه به هدف و ماهیت پژوهش، از روش کیفی استفاده شده است. ابتدا مبانی نظری، مطالعات و پیشینه مرتبط با موضوع تحقیق، بررسی و تحلیل و با رویکردی سیستمی تنظیم و تدوین شد؛ سپس به منظور اجماع بر روی مؤلفه‌های دسته‌بندی شده ناشی از استخراج عوامل شناسایی شده و به دنبال دستیابی به توصیف عمیق و غنی، از تجارب و ادراک شرکت‌کنندگان نسبت به مؤلفه‌های عوامل آسیب‌زای ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، از طریق مصاحبه‌های عمیق و اکتشافی به صورت انفرادی با خبرگان علمی، مدیریتی و اجرایی که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند، داده‌های کیفی لازم جمع‌آوری و با استفاده از روش تحلیل محتوا، مفاهیم، مقوله‌ها و عوامل اصلی و فرعی شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفت.

جامعه آماری این پژوهش، خبرگان جامعه علمی و متخصصان حوزه پلیس، از جمله مدیران اجرایی نیروی انتظامی بودند که از حداقل ۱۵ سال سابقه کار در سطوح برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های پیشگیری از جرم برخوردار بوده‌اند. برای تعیین نمونه‌های این پژوهش، از روش نمونه‌گیری هدفمند و گلوله‌برفی استفاده گردید. در صورتی که هدف از مصاحبه، اکتشاف و توصیف عقاید و نگرش‌های مصاحبه‌شوندگان باشد، می‌توان از تعداد ۲۵-۱۰ نمونه برای انجام مصاحبه استفاده نمود (عباسی و همکاران، ۱۳۸۸) که در این پژوهش، تعداد ۲۵ نمونه به عنوان نمونه مصاحبه‌شونده در نظر گرفته شد. در حین مصاحبه، به جمع‌آوری نظرات در مورد شاخص‌های مناسب برای تعیین آسیب‌های پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی پرداخته شد و عوامل اصلی و فرعی مورد نظر بررسی و نهایی گردید. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، از نظرات ارزشمند اساتید خبره و متخصصان پلیس استفاده شد (مؤمنی، ۱۳۸۶: ۴۴)؛ همچنین، به طور هم‌زمان، از مشارکت‌کنندگان نیز در تحلیل و تفسیر داده‌ها کمک گرفته شد.

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، مراحل شش‌گانه تحلیل تم که در آن حرکت به عقب و جلو در بین مراحل ذکر شده وجود دارد، انجام پذیرفت که شامل مراحل زیر است: ۱. آشنایی با داده‌ها؛ ۲. ایجاد کدهای اولیه؛ ۳. جستجوی تم‌ها؛ ۴. بازبینی تم‌ها؛ ۵. تعریف و نام‌گذاری تم‌ها؛ ۶. تهیه گزارش، به دقت و با صبر و حوصله (برون و کلارک، ۲۰۰۶).

یافته‌های پژوهش

روش تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در این تحقیق، تحلیل تم^۱ بوده است که طی آن، مصاحبه‌شوندگان در هنگام پاسخ به سوالات، به تشریح عوامل و عناصر مرتبط با آسیب‌های پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی بر اساس تجربیات، نگرش‌ها و تخصص‌های خود پرداختند. از تحلیل جملات و دیدگاه‌های این افراد، تم‌ها یا کدهای اولیه استخراج شد و در مرحله بعد، تم‌های دارای مضمون مشترک در یک گروه مشابه قرار گرفت تا جواب سوالات تحقیق به دست آید. در مجموع، ۸۵ تم فرعی به دست آمد که در قالب ۱۳ تم اصلی بر مبنای الگوی سه‌شاخگی میرزایی (۱۳۷۷) طبقه‌بندی گردید و در جدول‌های ۲ تا ۴ نشان داده شده است.

الف. شناسایی آسیب‌های ساختاری در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی
جدول ۲ به‌طور خلاصه، شیوه برچسب‌زنی و کدگذاری زیر تم‌های اصلی و فرعی و منبع هر یک از آنها را نشان می‌دهد (هر یک از Eها به یک نفر مصاحبه‌شونده اشاره دارد).

جدول ۲. شیوه برچسب‌زنی و کدگذاری تم‌های اصلی (آسیب‌های ساختاری)

تم‌های اصلی	تم‌های فرعی	کد منبع	فراوانی
ساختاری	نبود ساختار خاص در رابطه با کودک و نوجوان	E۲, E۷, E۱۲, E۱۵, E۱۷ E۱۹, E۲۰, E۲۱	۹
	نبود مددکار خاص تحت نظارت دادگاه اطفال و نوجوان	E۱, E۵, E۷, E۸, E۱۰, E۱۱, E۱۶, E۱۸, E۲۰, E۲۱	۷
	عدم تشکیل پلیس اطفال و نوجوان	E۲, E۳, E۷, E۱۲, E۱۵, E۱۷, E۲۰, E۲۱, E۲۲, E۲۵	۸

۷	E۳, E۵, E۶, E۱۱, E۱۴, E۱۹, E۲۴	شفاف نبودن اختیارات پلیس در موضوعات مرتبط با اطفال	
۹	E۸, E۱۰, E۱۱, E۱۴, E۱۵, E۱۹, E۲۰, E۲۱, E۲۵	عدم تناسب ساختار یا موضوعات مرتبط با اطفال	
۹	E۴, E۶, E۱۴, E۱۸, E۱۹, E۲۰, E۲۱, E۲۳, E۲۴	شفاف نبودن آموزش‌های کاربردی مرتبط با اطفال در ساختار	
۹	E۱, E۴, E۵, E۹, E۱۰, E۱۱, E۱۵, E۱۸, E۱۹	ضعف تناسب نیروی انسانی با اهداف و برنامه‌های پیشگیری از جرم	اهداف و راهبرد سازمانی
۸	E۱, E۷, E۸, E۱۱, E۱۲, E۱۵, E۱۷, E۲۳	رویکردها و اهداف بیشتر کیفی است تا مداخله حمایتی	
۹	E۵, E۹, E۱۰, E۱۲, E۱۳, E۱۶, E۱۷, E۱۸, E۲۴	عدم تناسب برنامه‌ها با رویکرد و اهداف اصلاحی و تربیتی کودکان بزهکار	
۶	E۵, E۹, E۱۱, E۱۷, E۱۹, E۲۱	ضعف در بسیج ظرفیت‌ها برای رسیدن به وضعیت مطلوب	
۹	E۳, E۱۸, E۲۲, E۵, E۶, E۷, E۱۰, E۱۲, E۱۳,	فقدان برنامه‌ها و راهبرد افتراقی برای پیشگیری از بزهکاری کودکان	

۶	E۲, E۳, E۷, E۹, E۱۰, E۱۷,	ضعف روش‌ها و شیوه‌های خاصی برای کنترل کودکان خیابانی	فرآیندها و روش‌ها
۸	E۱, E۴, E۷, E۱۰, E۱۳, E۱۵, E۱۸, E۲۲	ضعف در آشنایی کارکنان به شیوه‌های پیشگیری اجتماعی از بزهکاری کودکان خیابانی	
۷	E۶, E۹, E۱۱, E۱۲, E۱۶, E۱۹, E۲۱	عدم رعایت قواعد لازم در فرآیند رسیدگی به بزهکاری کودکان	
۷	E۳, E۶, E۷, E۱۱, E۱۲, E۱۳, E۱۸	نبود منابع کافی زیرساختی برای راه اندازی پلیس اطفال	منابع مادی و انسانی
۱۰	E۲, E۴, E۷, E۸, E۱۱, E۱۵, E۱۸, E۱۹, E۲۱, E۲۴	نبود منابع انسانی کافی برای راه اندازی پلیس اطفال	
۵	E۵, E۹, E۱۲, E۱۳, E۱۵	فقدان منابع هزینه‌ای برای راه اندازی پلیس اطفال	

ب. شناسایی آسیب‌های رفتاری در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی
 جدول ۳ به‌طور خلاصه، شیوه برچسب‌زنی و کدگذاری زیر تم‌های اصلی و فرعی و منبع هر یک از آنها را نشان می‌دهد (هر یک از Eها به یک نفر مصاحبه‌شونده اشاره دارد).

جدول ۳. شیوه برچسب‌زنی و کدگذاری تم‌های اصلی (آسیب‌های رفتاری)

فرآوانی	کد منبع	تم‌های فرعی	تم اصلی
آموزش	۶	E۸, E۱۰, E۱۴, E۱۸, E۱۹, E۲۳	ضعف محتوای آموزشی ویژه برخورد با کودکان در برنامه‌ها
	۵	E۴, E۷, E۹, E۱۱, E۲۲, E۲۳	ضعف رفتار حرفه‌ای در برخورد با کودکان
	۹	E۱, E۴, E۶, E۱۰, E۱۴, E۱۵, E۱۷, E۱۹, E۲۳	ضعف آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی با کودکان
	۸	E۱۱, E۱۴, E۱۳, E۵, E۱۷, E۱۹, E۲۱	عدم لحاظ معیارهای حقوق کودک در آموزش‌های پیشگیری از جرم
رضایت شغلی	۹	E۵, E۱۴, E۱۳, E۱۱, E۹, E۶, E۲۴, E۱۸, E۱۹	ضعف اجرای اقدامات پیشگیرانه در حوزه کودکان خیابانی
	۷	E۱, E۴, E۸, E۱۰, E۱۳, E۱۵, E۱۸	عدم دور نگه داشتن کودکان خیابانی از فرایند کیفی با تمرکز بر اقدامات پیشگیرانه
	۹	E۶, E۷, E۹, E۱۴, E۱۶, E۱۸, E۱۹, E۲۱, E۲۳	ضعف اعتماد به مسئولان قضایی از جنبه حمایتی در اقدامات پیشگیری از بزهکاری کودکان

۶	E۲, E۵, E۸, E۱۱, E۱۳, E۱۴	ضعف کارکنان در پیگیری اقدامات پیشگیری از بزهکاری کودکان خیابانی	
۴	E۱۸, E۳, E۶, E۱۵,	عدم شناخت کافی نسبت به کودکان بزهکار	
۸	E۳, E۷, E۱۱, E۱۳, E۱۵, E۱۹, E۲۰, E۲۳	ضعف تجربه در تسلط کافی به عوامل جرم‌زای کودکان خیابانی	تجربه و مهارت
۶	E۷, E۱۱, E۱۳, E۱۴, E۱۹, E۲۱	ضعف مهارت لازم در جلب اعتماد کودکان خیابانی	
۷	E۷, E۱۱, E۱۴, E۱۵, E۱۸, E۲۰, E۲۳	فقدان برنامه‌های نشست مشترک با کودکان خیابانی	
۶	E۲, E۱۴, E۱۵, E۱۹, E۲۰, E۲۲	تشخیص صحیح پدیده‌های اجتماعی در موضع پیشگیری	
۵	E۵, E۶, E۹, E۱۴, E۱۵	ضعف در ارائه و شناخت شیوه‌های پیشگیری افتراقی	
۵	E۵, E۷, E۱۴, E۱۶, E۲۳	ضعف در تشخیص گروه هدف و جلب حمایت جامعه در پیشگیری مناسب	

۹	E۲, E۳, E۵, E۸, E۹, E۱۱, E۱۲, E۲۰, E۲۲	شناخت ناکافی از جرایم ارتكابی کودکان
۶	E۴, E۵, E۷, E۱۰, ۱۳, E۱۴	تعامل ضعیف با سازمان‌ها و منابع حمایت‌کننده
۶	E۱۸, E۱۴, E۱۵, E۱۰, E۵, E۲۱	ضعف مهارت لازم به عنوان ارائه نقش مربی و راهنما و نه کیف‌دهنده
۱۰	E۲, E۳, E۷, E۹, E۱۰, E۱۱, E۱۵, E۱۹, E۲۰, E۲۲	ضعف در پرهیز از برچسب زنی نسبت به کودکان خیابانی
۵	E۱, E۷, E۱۰, E۱۴, E۱۸	ضعف حساسیت لازم در کنترل بزهکاری کودکان خیابانی
۷	E۹, E۱۱, E۱۳, E۱۴, E۱۸, E۱۹, E۲۴	ضعف دانش پیشگیری مخصوص کودکان و رویه عملی
۴	E۱۰, E۱۴, E۱۸, E۲۳	ضعف در شناخت منطقی انگیزه مجرمانه کودکان خیابانی
۷	E۴, E۵, E۸, E۱۰, E۱۱, E۱۴, E۲۰	ضعف الگوسازی فرماندهان برای کارکنان در رابطه با پیشگیری از بزهکاری کودکان

۸	E۱, E۳, E۶, E۷, E۱۰, E۱۹, E۲۲, E۲۳	ضعف همت جمعی نسبت به انجام برنامه‌های پیشگیرانه خاص کودکان	فرهنگ سازمانی
۱۰	E۲, E۳, E۷, E۸, E۱۰, E۱۱, E۱۴, E۱۵, E۱۸, E۱۹	ضعف در تقویت باورهای کارکنان نسبت به اهمیت پیشگیری از بزهکاری کودکان خیابانی	
۵	E۲, E۷, E۱۸, E۱۹, E۲۱	ضعف مطالبات مدیران در رابطه با بزهکاری کودکان خیابانی در فضای سازمانی	

ج. شناسایی آسیب‌های زمینه‌ای در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی
جدول ۴ به‌طور خلاصه، شیوه برچسب‌زنی و کدگذاری زیر تم‌های اصلی و فرعی و منبع هر
یک از آنها را نشان می‌دهد (هر یک از Eها به یک نفر مصاحبه‌شونده اشاره دارد).

جدول ۴. شیوه برچسب‌زنی و کدگذاری تم‌های اصلی (آسیب‌های زمینه‌ای)

فراوانی	کد منبع	تم‌های فرعی	تم اصلی
۱۰	E۲, E۵, E۹, E۱۲, E۱۳, E۱۴, E۱۷, E۱۹, E۲۱, E۲۴	قانون‌گریزی در بین کودکان خیابانی	
۷	E۱, E۵, E۹, E۱۳, E۱۴, E۱۹, E۲۳	ضعف آموزش‌های عمومی برای کودکان خیابانی	
۹	E۳, E۹, E۱۰, E۱۱, E۱۵, E۱۸, E۲۰, E۲۱, E۲۳	نبود یا ضعف سازمان‌های داوطلب و نهادهای محلی برای بازپروری	
۷	E۵, E۹, E۱۱ E۱۵, E۱۹, E۲۱, E۲۳	ضعف اقدامات پیشگیری اجتماع‌محور برای جلوگیری از ورود به فرآیند کیفری	

۹	E۳, E۵, E۸, E۱۱, E۱۳, E۱۴, E۱۶, E۱۸, E۲۴	فقدان یا ضعف تعامل و مساعادت کودکان توسط نهادهای رسمی و مدنی	اجتماعی و فرهنگی
۵	E۵, E۹, E۱۱, E۱۳, E۱۹	وجود نگرش منفی به عدالت در بین کودکان و نوجوانان خیابانی	
۹	E۲, E۵, E۷, E۱۱, E۱۲, E۱۵, E۱۸ E۱۹, E۲۰, E۲۱, E۲۴	ضعف مشارکت اجتماعی در مقابله با پدیده کودکان خیابانی	
۷	E۱۴, E۱۷, E۵, E۶, E۷, E۱۱, E۳	کم‌اهمیت دانستن تأثیر بزهکاری کودکان و نوجوانان در امنیت روانی	
۱۰	E۴, E۵, E۸, E۱۰, E۱۱, E۱۴, E۱۵, E۱۹, E۲۰, E۲۵	ضعف در ایجاد و استقرار زیر ساخت‌های حمایتی از کودکان خیابانی	
۶	E۴, E۶, E۱۰, E۲۳, E۲۴, E۲۵	دسترسی آسان به خرده‌فرهنگ‌های معارض	
۵	E۱۰, E۱۳, E۱۵, E۱۸, E۲۰	نبود یا ضعف برنامه‌های نظارتی اجتماع‌محور	
۸	E۲, E۷, E۱۳, E۱۴, E۱۵, E۱۸, E۱۹, E۲۱	نبود قواعد خاص برای ممانعت از ورود و فعالیت کودکان در خیابان‌ها	
۸	E۴, E۵, E۸, E۱۰, E۱۱, E۱۴, E۱۵, E۱۹, E۲۰, E۲۱	فقر اقتصادی شدید در بین خانواده‌های کودکان خیابانی	
۵	E۱, E۱۸, E۱۹, E۲۱, E۲۲	فقر ارزش‌های دینی در بین کودکان خیابانی	

۶	E۵, E۷, E۹, E۱۰, E۱۲, E۱۳	ضعف قدرت استیفای حق از سوی بزه‌دیدگان کودک و نوجوان	مراجعات ناشی از جرم
۴	E۱۰, E۱۳, E۱۴, E۱۷	ضعف قدرت دفاع از سوی بزهکاران کودک و نوجوان	
۷	E۴, E۷, E۹, E۱۱, E۱۲, E۱۵, E۱۸	بالا بودن آمار سیاه جرایم کودکان خیابانی؛ اعم از بزه‌دیده یا بزهکار	
۸	E۲, E۷, E۱۳, E۱۴, E۱۵, E۱۸, E۱۹, E۲۰	ضعف در پیگیری منطقی مراجعات؛ اعم از بزه‌دیده یا بزه‌کار	
۱۰	E۲, E۵, E۸, E۹, E۱۰, E۱۳, E۱۷, E۱۸, E۲۲, E۲۴	ناکافی بودن تأمین سرپناه‌های ثابت و شبانه‌روزی از سوی موسسات دولتی	زیرساخت‌ها و سازمان‌های پشتیبانی‌کننده
۸	E۳, E۵, E۸, E۱۰, E۱۳, E۱۵, E۱, E۱۸	بی‌توجهی نسبت به پدیده کودکان خیابانی	
۱۱	E۱, E۳, E۵, E۸, E۱۱, E۱۳, E۱۵, E۱۷, E۱۸, E۲۱, E۲۲	اقدامات ناکافی سازمان‌های دولتی و دارای مسئولیت در این زمینه	
۷	E۶, E۸, E۱۱, E۱۳, E۱۴, E۱۷, E۲۴	فقدان یا ضعف برنامه‌های ناظر بر آموزش مهارت زندگی در صدا و سیما	
۵	E۸, E۱۱, E۱۲, E۱۴, E۱۶	فقدان یا ضعف برنامه‌های ناظر بر آموزش مهارت زندگی در آموزش و پرورش	
۸	E۱, E۳, E۶, E۸, E۱۱, E۱۱, E۱۵, E۱۶,	نبود آموزش‌های خیابانی توسط گروه‌های خاص	

۴	E۸, E۱۰, E۱۳, E۱۷	حلاً قانونی برای اعزام به کانون‌های اصلاح و تربیت قبل از وقوع بزهکاری	
۸	E۴, E۹, E۱۴, E۱۵, E۱۸, E۱۹, E۲۴, E۲۴	متناسب نبودن شرایط و امکانات سازمانی برای اجرای آیین دادرسی کیفری	
۸	E۲, E۷, E۱۳, E۱۴, E۱۵, E۱۸, E۱۹, E۲۲	ضعف یا ناکافی بودن آموزش‌های قضایی	
۱۱	E۴, E۵, E۸, E۱۰, E۱۱, E۱۴, E۱۵, E۱۹, E۲۰, E۲۱, E۲۴	فقدان موسسات مردم‌نهاد برای نگهداری از کودکان و نوجوانان خیابانی	
۶	E۱, E۱۴, E۱۸, E۱۹, E۲۱, E۲۲	فقدان مراکز سیار حمایتی در مکان‌هایی که کودکان حضور دارند	
۷	E۷, E۱۰, E۱۲, E۱۳, E۱۵, E۱۹, E۲۲	ضعف زیرساخت‌های کافی متناسب با حجم مأموریت	
۱۲	E۱, E۳, E۵, E۸, E۹, E۱۰, E۱۳, E۱۴, E۱۷, E۱۸, E۲۲, E۲۴	نبود برنامه‌های منسجم و مستمر برای ساماندهی کودکان در محیط	
۴	E۴, E۵, E۹, E۲۰	فقدان سیاست جنایی افتراقی در مورد کودکان و نوجوانان	بسترهای قانونی و حقوقی
۷	E۳, E۴, E۸, E۱۰, E۱۸, E۱۹, E۲۱	نبود برنامه‌های پایشی و نظارتی نظام کیفری	
۷	E۲, E۳, E۶, E۱۰, E۱۵, E۱۹, E۲۲	ناکافی بودن معیارهای استاندارد در فرآیند پی‌جویی بزهکاری کودکان و نوجوانان خیابانی	

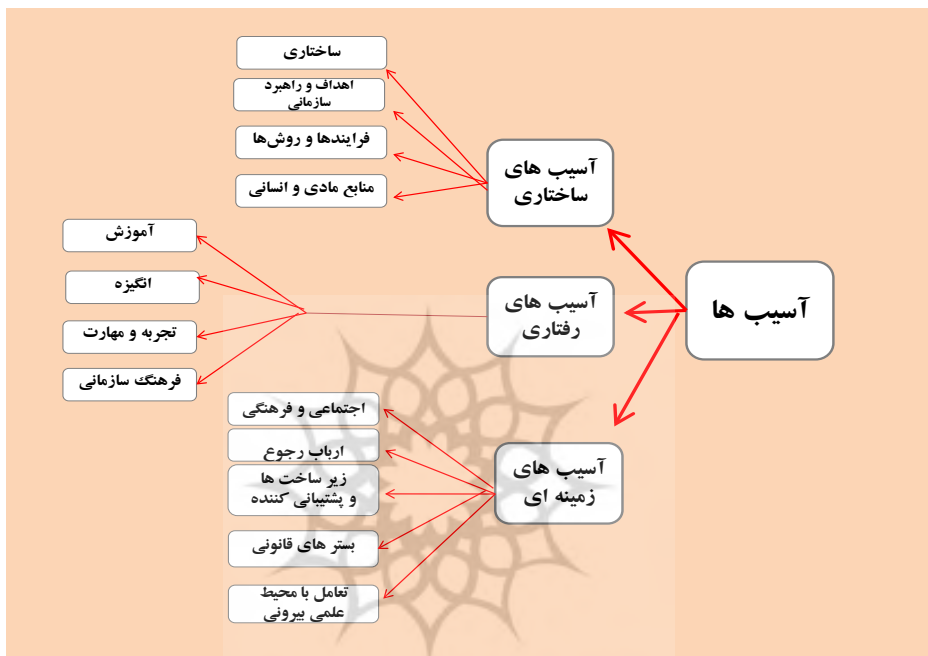
۴	E۱۰, E۱۱, E۱۷, E۲۳	ناکافی بودن اقدامات تأمینی	
۶	E۴, E۵, E۹, E۱۲, E۱۴, E۱۷	خلاً قانونی در مطالبه از مسئولان مرتبط با کودکان خیابانی	
۸	E۱, E۸, E۱۰, E۱۴, E۱۸, E۱۹, E۲۱, E۲۲, E۲۳	ناکارآمدی قوانین و مقررات مرتبط با کودکان خیابانی	
۷	E۱۰, E۱۲, E۱۳, E۱۵, E۱۹, E۲۲, E۲۳	مبهم و شفاف نبودن برخی از قوانین در پی جویی بزهکاری کودکان خیابانی	
۷	E۲, E۵, E۹, E۱۳, E۱۴, E۱۹, E۲۳	ضعف در استفاده از ظرفیت‌های علمی محیطی در مقابله با پدیده کودکان خیابانی	
۵	E۶, E۱۷, E۱۸, E۲۰, E۲۱	نبود برنامه‌های علمی بر جامعه هدف از سوی مجامع علمی و دانشگاهی	
۶	E۵, E۹, E۱۱, E۱۵, E۱۹, E۲۴	ضعف یا ناکافی بودن تعامل پلیس با سازمان‌های مسئول در پدیده کودکان خیابانی	
۸	E۴, E۶, E۷, E۱۲, E۱۵, E۱۸, E۱۹, E۲۲	فقدان موضوعات مرتبط با پدیده کودکان خیابانی در برنامه‌های تعاملی پلیس با محیط‌های علمی	

تعامل محیط علمی با بیرونی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، شناسایی آسیب‌های پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی است. پس از شناسایی آسیب‌های پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی در ابعاد ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای، نتایج تحقیق به‌صورت جامع و عمیق مورد بررسی

قرار گرفت تا جواب سوالات تحقیق (مرتبط با اهداف تحقیق) به‌دست آید. در این تحقیق، ۸۵ شاخص موثر به‌عنوان آسیب در قالب ۳ بعد و ۱۳ مولفه به‌عنوان آسیب‌های پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی شناسایی شد که به‌عنوان الگوی نهایی تحقیق در شکل ۲ نشان داده می‌شود.



شکل ۲. الگوی نهایی تحقیق

بررسی نتایج تحقیق

الف. عوامل ساختاری

عوامل ساختاری به‌عنوان یکی از آسیب‌های پیشگیری انتظامی از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی شناسایی گردیده‌است. نبود شرح وظایف یا شغل خاص در رابطه با کودک و نوجوان در ساختار تشکیلاتی پلیس، یکی از آسیب‌های جدی در اقدامات پلیس در پیشگیری انتظامی از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی است. آثار فقدان چنین ساختاری را در نبود الگوی مناسب نظارت و ارزیابی اقدامات پیشگیرانه مرتبط با کودکان خیابانی و نبود شفافیت در کارکردهای پلیس در جرایم مرتبط با کودکان، به‌ویژه کودکان خیابانی، می‌توان مشاهده

نمود و به همین دلیل نیز علت بسیاری از مشکلات و چالش‌ها و آسیب‌های مرتبط با موضوع را می‌توان در کنترل کودکان خیابانی کشف نمود؛ چراکه بر اساس محتوای پیمان‌نامه کودک مصوب ۱۹۸۹، اقداماتی که در حفاظت از حقوق کودک مقرر گردیده‌است (از جمله، اتخاذ تمامی تدابیر لازم برای پیشگیری از بزه‌دیدگی کودکان اعم از جسمی، جنسی و هرگونه سوءاستفاده و آلودگی) مستلزم اقدامات بسیاری در سطح جامعه است که بخشی از آن، برعهده پلیس قرار گرفته‌است و از آنجا که کودکان خیابانی قبل از آنکه بزه‌کار شوند، مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند، با یک برنامه‌ریزی صحیح، می‌توانند از حمایت پلیس در چارچوب وظایف تعریف‌شده در ساختار بهره‌مند گردند.

نتایج تحقیق حاکی از آن است که اهداف و راهبردهای سازمانی، یکی دیگر از آسیب‌های شناسایی‌شده در حوزه پیشگیری انتظامی از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی است. هرچند باید پذیرفت که آسیب‌ها در حوزه ساختاری سازمانی کل‌نگرانه است و چندین آسیب منشعب و یا ناشی از آسیب دیگر است، اما اهداف و راهبردها به جهت اهمیت آن در برنامه‌های پیشگیرانه، به‌عنوان یک متغیر فرعی تأثیرگذار در این تحقیق، مورد شناسایی و بحث قرار گرفت؛ چراکه اهداف و راهبردهای سازمانی، چراغ راه و جهت‌دهنده برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه است و این درحالی‌است که طبق بررسی‌ها، برنامه و راهبرد افتراقی خاصی برای پیشگیری از جرایم کودکان، به‌ویژه کودکان خیابانی، در برنامه‌های راهبردی پیش‌بینی نشده‌است و به‌صورت کلی، اقدامات بیشتر در حوزه مشاوره‌ای و در دایره‌های مشاوره و مددکاری کلانتری‌ها یا دایره‌های مرکز مشاوره انجام می‌گیرد و این اقدامات نیز به‌صورت عام و در مراحل بعد از وقوع جرم صورت می‌پذیرد؛ همچنین، باید اذعان نمود که همین اقدامات نیز محدود است و در عمل، نمی‌تواند انتظارات لازم و متناسب با رویکردها و اهداف پیشگیرانه، اصلاحی و تربیتی کودکان بزهکار را محقق سازد. از سوی دیگر، خارج از این دایره‌ها - که رویکردی مشاوره‌ای دارند - سایر اقدامات در صحنه اجرایی، بیشتر کیفری است تا از نوع مداخله حمایتی و بازدارنده.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ضعف‌های فرآیندی و روشی در اقدامات پیشگیرانه، یکی دیگر از آسیب‌های شناسایی‌شده در حوزه پیشگیری انتظامی از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی می‌باشد. در برنامه‌ها و اقدامات اجرایی، فرآیندی مشخص، اصولی و در چارچوب ضوابط نوشته‌شده و مدون و یا شیوه پیشگیرانه خاص یا افتراقی در رابطه با کودکان، به‌ویژه

کودکان خیابانی، به‌دست نیامده‌است و همچنین، نتایج تحقیق بیانگر آن است که اقدامات و برنامه‌های پلیس به‌صورت عام، تمام سنین مختلف را دربرمی‌گیرد و اگر در رابطه با کودکان - آن هم به‌صورت عام، نه کودکان خیابانی - اقدامات، کمی نرم‌تر و انعطاف‌پذیرتر است، فقط بر اساس باورهای مکتبی و روحیه انسانی کارکنان پلیس می‌باشد؛ بنابراین، اقدامات در حوزه پیشگیری از جرایم کودکان خیابانی، فاقد شیوه‌ها یا روش‌های خاص پیشگیرانه در این حوزه می‌باشد.

یکی دیگر از آسیب‌های شناسایی شده در حوزه پیشگیری انتظامی از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی، آسیب‌های منابع مادی و انسانی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که یکی از دلایل عدم اجرای ماده ۳۱ آیین دادرسی کیفری و ایجاد پلیس اطفال و نوجوان، نبود منابع انسانی و زیرساختی کافی برای راه‌اندازی پلیس اطفال است و تا زمانی که این‌گونه مشکلات در سطح سازمانی رفع نگردد، نمی‌توان اقدامات و برنامه‌های پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی را بهبود بخشید.

ب. عوامل رفتاری

نتایج تحقیق بیانگر این است که مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی کارکنان در مواجهه با کودکان خیابانی از استانداردهای حرفه‌ای فاصله دارد و این ناشی از ضعف آموزش‌های مهارت ارتباطی و اجتماعی است که در برنامه‌های آموزشی در حوزه نحوه برخورد با کودکان گنجانده نشده‌است. رفتارهای استاندارد شده برای تحقق حقوق کودک، مستلزم آموزش‌های رفتاری خاصی است که باید در برنامه‌های آموزشی گنجانده شود و برای کارکنانی که به‌صورت ویژه با این پدیده اجتماعی سر و کار دارند آموزش و مهارت‌افزایی شود تا رفتار و منش حرفه‌ای در برخورد با کودکان خیابانی تقویت شود.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر اقدامات انتظامی، انگیزه کارکنان است. نتایج تحقیق بیانگر این است که کارکنان از انگیزه کافی برای اجرای اقدامات خاص پیشگیرانه در حوزه بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی برخوردار نمی‌باشند و بخشی از این انگیزه‌ها، ناشی از ضعف اعتماد از جنبه حمایتی در پیشگیری از جرم عنوان شده‌است؛ بنابراین، معمولاً نگاه کارکنان به پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی، نگاه عام پیشگیری در طیف‌های مختلف است و بدین لحاظ، راحت‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه را در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی، اقدامات کیفری و معرفی به دستگاه قضایی می‌دانند.

تجربه و مهارت کارکنان، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر اقدامات انتظامی در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که فقدان تجربه لازم در تسلط کافی به قوانین و دستورکارها و عوامل جرم‌زای کودکان خیابانی را می‌توان در برخی از رفتارهای کارکنان (مانند برچسب‌زنی و اقدام به برچسب جرم مکرر برای کودکان خیابانی) مشاهده نمود. ضعف در مهارت و آشنایی ناکافی به ویژگی‌های کودکان و پدیده اجتماعی کودکان خیابانی موجب گردیده‌است تا مداخله هدفمند در اقدامات پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی کم‌رنگ دیده‌شود و برنامه‌ای برای آگاهسازی، اعتمادسازی کودکان و استفاده بهینه از ظرفیت‌های سازمان‌های مسئول و رویه عملی مناسب وجود نداشته‌باشند.

با توجه به یافته‌های تحقیق، شاخص‌های فرهنگ سازمانی نیز به‌عنوان یکی از آسیب‌ها در اقدامات انتظامی در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی شناسایی گردیده‌است. نتایج بیانگر این است که باورهای کارکنان و حساسیت آنها نسبت به اهمیت پیشگیری از بزهکاری کودکان خیابانی با استفاده از شیوه‌های خاص، ضعیف است و بنابراین، اعتقاد گروهی و سازمانی لازم برای انجام برنامه‌های پیشگیرانه موثر در رابطه با بزه‌کاری کودکان خیابانی وجود ندارد؛ حتی می‌توان گفت که اقدامات و برنامه‌های خاص پیشگیری در مطالبات فرماندهان و مدیران از کارکنان حوزه پیشگیری از جرم، بسیار کم‌تر دیده می‌شود.

ج. عوامل زمینه‌ای

شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی نیز با توجه به یافته‌های تحقیق، به‌عنوان یکی از آسیب‌های حوزه مورد مطالعه شناسایی گردیده‌است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که محیط اجتماعی و نهادهای مسئول در حوزه اجتماعی و فرهنگی، نسبت به ایجاد و استقرار زیرساخت‌های حمایتی از حقوق کودک، به‌ویژه کودکان خیابانی، توجه و مشارکتی جدی مبذول نداشته‌اند و اگر اقداماتی در بعضی از شهرهای بزرگ انجام پذیرفته است، بسیار محدود و با اثربخشی مقطعی دنبال گردیده‌است. برنامه‌های ناشی از فعالیت و مسئولیت نهادهای مردمی و دولتی برای بازپروری، آموزش عمومی، آگاهسازی و نقش‌های حمایتی برای اصلاح و تربیت ضعیف بوده‌است و حتی در برخی از موارد، اصلاً وجود نداشته‌است. وجود نگرش‌های بی‌عدالتی در بین کودکان خیابانی، بزهکاری هم‌زمان با بزه‌دیدگی را در آنها تا سنین بزرگسالی تداوم می‌بخشد.

بخشی از این خلأها به جهت نبود قواعد الزام‌آور محیطی در حمایت از کودکان خیابانی و مطالبه از نهادهای رسمی و غیررسمی بوده‌است و بخشی از آسیب‌ها نیز به جهت عدم حساسیت لازم در ایجاد واکنش حمایتی و مراقبتی آحاد جامعه از بزهکاری کودکان خیابانی است که جرایم کودکان را کم‌اهمیت تلقی می‌نمایند و در نتیجه، جامعه واکنش لازم را از خود بروز نمی‌دهد. بدین ترتیب، فقر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در بین کودکان خیابانی، انگیزه آنان در ارتباط و تأثیرپذیری از خرده‌فرهنگ‌های معارض را تسهیل نموده و شبکه‌ای از خرده‌فرهنگ معارض در بین کودکان خیابانی را بدون وجود شبکه‌ای از نظارت‌های اجتماع‌محور به وجود آورده‌است. یکی دیگر از آسیب‌های اقدامات انتظامی در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی، مراجعات ناشی از جرم، در رده‌های اجرایی پلیس است که با توجه به یافته‌های تحقیق، به‌عنوان آسیب در این حوزه شناسایی گردیده‌است. پیگیری منطقی مراجعات - اعم از بزه‌دیده یا بزهکار - به جهت ضعف قدرت دفاع از سوی بزهکاران کودک و نوجوان، برابر اصول اقدامات پی‌جویی قضایی و انتظامی پیگیری نمی‌گردد. بخشی از این آسیب، ناشی از ضعف قدرت استیفای حق از سوی بزه‌دیدگان کودک و نوجوان است و بخش دیگر، به جهت عدم حساسیت لازم برای پیگیری منطقی از سوی پلیس یا آسیب‌دیده از جرم است و معمولاً به علت احساس ترحم، بدون ایفای نقش حمایتی، زمینه بازگشت کودک خیابانی به شرایط بزهکاری، البته با انگیزه مضاعف به علت کاهش ترس فراهم می‌گردد. بسیاری از جرایم و بزه‌دیدگی‌های کودکان خیابانی یا گزارش نمی‌گردد و یا به‌درستی ثبت و پیگیری نمی‌گردد و بنابراین، آمار جرایم کودکان خیابانی به نسبت جرایم بزرگسالان ممکن است از نرخ بالاتری برخوردار باشد.

عوامل و عناصر مرتبط با زیرساخت‌ها و سازمان‌های پشتیبانی‌کننده، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر اقدامات انتظامی در پیشگیری از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که برنامه‌های منسجم و مستمر برای ساماندهی کودکان در محیط اجتماعی وجود ندارد و اقدامات سازمان‌های دولتی و دارای مسئولیت و همچنین، موسسات مردم‌نهاد در این زمینه بسیار ضعیف گزارش شده‌است. بسیاری از کودکان خیابانی از آموزش‌های آگاه‌سازانه و سرپناه‌های لازم محروم هستند. بسیاری از نهادهای مسئول، از جمله صدا و سیما، برنامه‌های ناظر بر آموزش مهارت زندگی و تقویت خودپایی برای این قشر آسیب‌پذیر از طریق کانال‌های اطمینان‌بخش ارائه نمی‌نمایند و مسئولان نسبت به پدیده کودکان خیابانی و تأمین زیرساخت‌های لازم بی‌تفاوت هستند. از سوی دیگر، زیرساخت‌های لازم نیز برای پیگیری جرایم کودکان خیابانی در سطح پلیس و سایر سازمان‌های دولتی و

مردم نهاد ضعیف است و در عمل، در چارچوب حقوق کودک، اقدام موثری انجام نمی‌پذیرد و یا در حد محدود و ضعیف عمل می‌شود.

بسترهای قانونی و حقوقی نیز با توجه به یافته‌های تحقیق، به‌عنوان آسیب در این حوزه شناسایی گردیده‌است. وجود خلأهای قانونی - با وجود عضویت ایران اسلامی در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) - در رابطه با پدیده کودکان خیابانی و بزه‌دیدگی و بزهکاری آنان، نشان می‌دهد که قوانین و مقررات مرتبط با کودکان خیابانی از کارآمدی لازم برخوردار نمی‌باشند. از طرف دیگر، نبود معیارهای استاندارد برای ارزیابی عملکرد نهادها و سازمان‌ها در رابطه با جرایم کودکان خیابانی موجب گردیده‌است که برنامه‌های پیشی و نظارتی نظام کیفری و مطالبه از نهادهای مسئول در این حوزه دارای خلأهایی باشد و بخش عمده‌ای از این آسیب‌ها ناشی از عدم وجود سیاست جنایی افتراقی شفاف و مدون در این حوزه است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که به‌طور کلی، وجود قوانین الزام‌آور در رابطه با استقرار قواعد و مقررات در رابطه با حقوق کودک، مانع از ایجاد و استقرار زیرساخت‌های لازم برای پیشگیری انتظامی از جرایم کودکان خیابانی گردیده‌است.

تعامل با محیط علمی بیرونی نیز با توجه به یافته‌های تحقیق، به‌عنوان آسیب در این حوزه شناسایی گردیده‌است. موضوعات مرتبط با پدیده کودکان خیابانی در برنامه‌های تعاملی پلیس با محیط‌های علمی و دانشگاهی ضعیف است و بسیار کمتر از ظرفیت‌های علمی محیطی در مقابله با پدیده کودکان خیابانی و اتخاذ شیوه‌های مناسب انتظامی، جامعه‌شناختی و روانشناختی در پیشگیری از بزهکاری کودکان خیابانی استفاده می‌شود. از سوی دیگر، در جوامع علمی نیز با وجود اهمیت حقوق کودک و وجود آثار و پیامدهای موثر بر نظم عمومی در سنین بزرگسالی، برنامه‌های علمی بر جامعه هدف از سوی مجامع علمی و دانشگاهی، کمتر دیده می‌شود؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که جایگاه پیشگیری از جرایم کودکان خیابانی در جامعه علمی و دانشگاهی از اهمیت و حساسیت کمتری برخوردار می‌باشد.

به‌طور کلی، نتایج حاصل از یافته‌ها نشان می‌دهد که با توجه به ضعف‌های عمده در ابعاد مختلف ساختاری، رفتاری و زمینه‌ای در حوزه پیشگیری انتظامی از جرایم کودکان خیابانی که در قالب آسیب‌های انتظامی مورد شناسایی و بحث قرار گرفت، بین وضعیت موجود با وضعیت مورد انتظار، فاصله وجود دارد و در عمل، توفیق در پیشگیری انتظامی از جرایم کودکان خیابانی مستلزم رفع و ترمیم این ضعف‌هاست که البته بخش عمده‌ای از این آسیب‌ها، خارج از اختیارات

و توان زیرساختی پلیس می‌باشد و نیازمند همت و همیت جمعی نهادهای مسئول و نهادهای مردم‌نهاد در این حوزه می‌باشد. با وجود قواعد و اسناد متعدد بین‌المللی نظیر اعلامیه حقوق کودک (۱۹۵۹)، پیمان‌نامه حقوق کودک (۱۹۸۹)، قواعد پکن (۱۹۸۵)، قواعد سازمان ملل برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی (۱۹۹۰)، قطعنامه سازمان ملل (۲۰۰۷)، قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بد سرپرست (۱۳۹۲)، قانون الحاق جمهوری اسلامی به کنوانسیون حقوق کودک (۱۳۸۶) و چندین قانون دیگر، وضعیت موجود با روح قوانین بین‌المللی و داخلی، فاصله دارد. البته روح پیمان‌نامه حقوق کودک بسیاری از قواعد و مقررات مقرر در قوانین مختلف حمایت از حقوق کودک را پوشش می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که با راه‌اندازی پلیس اطفال و نوجوان و اجرای ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری ممکن است که بخشی از ضعف‌های موجود رفع گردد اما یافته‌ها بیانگر این است که طبق شرایط ساختاری، زیرساختی، منابع انسانی و ... در حال حاضر، امکان تشکیل و راه‌اندازی پلیس اطفال وجود ندارد. از طرف دیگر، با راه‌اندازی پلیس اطفال به‌عنوان ضابط خاص دادگاه اطفال و خانواده، مشکلات، ضعف‌ها و آسیب‌های دیگری که از جامعه نخبگان جمع‌آوری و در مقایسه و با استناد به اسناد بین‌المللی و داخلی جمع‌بندی گردیده است، همچنان به‌قوت خود باقی می‌مانند و فقط شیوه رسیدگی به اطفال و نوجوانان بزه‌دیده و بزهکار در کانال ویژه پی‌جویی قضایی قرار می‌گیرد و ضعف‌های دیگری که برعهده نهادهای دولتی، نهادهای مردم‌نهاد با رویکرد پیشگیری از بزهکاری کودکان خیابانی، متناسب با مواد پیمان‌نامه حقوق کودک، قواعد و اسناد دیگر از جمله قانون حمایت از کودکان بدسرپرست و بی‌سرپرست است، همچنان باقی می‌مانند؛ بنابراین، پیشگیری انتظامی با رویکردهای نوین از جمله پیشگیری مبتنی بر قواعد حقوقی حمایت از حقوق کودک بر اساس عزم جمعی و نقش‌آفرینی تمامی نهادهای مسئول در این زمینه است.

در پایان باید خاطر نشان کرد که شرایط حاضر و یافته‌های حاصل از این پژوهش، با نتایج تحقیقات داخلی و خارجی هم‌سو است. به‌عبارتی، شرایط حال حاضر کودکان خیابانی ناشی از ضعف‌ها و آسیب‌های شناسایی‌شده با نتایج تحقیقات دیگران از هماهنگی و هم‌خوانی برخوردار است. یافته‌های تحقیق با مطالعات حسینی (۱۳۸۴) که فقدان نظارت کافی از سوی سازمان‌های مسئول و الگوی نادرست کنش متقابل بین شهروندان و کودکان خیابانی را موثر در پدیده کودکان خیابانی می‌داند و همچنین، مطالعه دانشگاه علوم پزشکی تهران (۱۳۸۱)

که کودکان خیابانی را از نظر تکامل جسمی و روحی در معرض خطر می‌داند، با نتایج تحقیق سنجر (۱۳۸۲) در مورد تأثیر خلافکار بودن خانواده در فرار از منزل کودکان و نوجوانان و نتایج تحقیق خامسان (۱۳۷۹) مبنی بر کم‌برخوردار بودن و تحت پوشش نبودن خانواده‌های کودکان خیابانی هم‌سویی دارد. همچنین، نتایج این تحقیق، با نتایج تحقیقات یونیسف (۲۰۰۱) مبنی بر بزه‌دیدگی و بزهکاری هم‌زمان بیش از ۵۶ درصد کودکان خیابانی به جهت نبود حمایت‌های اجتماعی و خانوادگی و نتایج تحقیق کرال و همکاران (۱۳۹۳) مبنی بر درگیر بودن ۹۸٪ از جامعه مورد مطالعه کودک و نوجوان در مسائل جنسی ناشی از موادمخدر و نتایج تحقیق بارون و کندلی (۱۹۹۸) مبنی بر بزه‌دیدگی و بزهکاری کودکان خیابانی بر اثر فقر و نبود حمایت‌های اجتماعی و شبکه دوستان ناباب، هم‌سو است.

پیشنهادها

برای کاهش و رفع یا ترمیم آسیب‌های شناسایی شده در اقدامات پیشگیری انتظامی از بزهکاری و بزه‌دیدگی کودکان خیابانی، با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

الف. پیشنهادهای حوزه آسیب‌های ساختاری

۱. طراحی و ایجاد پلیس اطفال در ساختار پلیس برای بهینه‌سازی اقدامات مرتبط با کودکان خیابانی؛

۲. طراحی و تدوین الگوی مناسب نظارت و ارزیابی اقدامات پیشگیرانه مرتبط با کودک؛

۳. تقویت آموزش‌های کاربردی مرتبط با اطفال در ساختار آموزشی کارکنان؛

۴. ایجاد راهکارهای عملی در احراز عملی تسلط کارکنان به آیین دادرسی کیفری و آخرین قواعد و اسناد بین‌المللی و داخلی حقوق کودک؛

۵. ایجاد شفافیت لازم در ارتباط با اختیارات پلیس در موضوع‌های مرتبط با اطفال؛

۶. تقویت مهارتی کارکنان در رابطه با نحوه اجرای مقررات مربوط به حقوق کودک و راهکارهای علمی؛

۷. پیشگیری از بزهکاری کودکان خیابانی با تمرکز بر دیدگاه‌های اصلاحی و تربیتی.

ب. پیشنهادهای حوزه آسیب‌های رفتاری

۱. تقویت برنامه‌های مبتنی بر آموزش مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی کارکنان در ارتباط با کودکان؛

۲. تقویت معیارهای حقوق کودک در آموزش‌های پیشگیری از جرم؛

۳. تقویت دانش خاص و توانمندسازی علمی و مهارتی کارکنان حوزه پیشگیری از جرایم کودکان خیابانی.

ج. پیشنهادهای حوزه آسیب‌های زمینه‌ای

۱. مطالبات تعاملی در نهادهای مسئول در ایجاد و استقرار زیرساخت‌های حمایتی در ارتباط با کودکان خیابانی؛

۲. مطالبات تعاملی از سازمان‌های داوطلب و نهادهای محلی برای بازپروری و باز اجتماعی نمودن کودکان خیابانی و حمایت از آنها؛

۳. تعامل و حمایت از آموزش‌های عمومی و سیار برای کودکان خیابانی در جهت آگاهسازی و افزایش تاب‌آوری آنها؛

۴. تقویت برنامه‌های نظارتی با مشارکت عمومی و نهادهای مردمی در حمایت از کودکان خیابانی بزهکار؛

۵. حمایت از برنامه‌های منسجم و مستمر برای ساماندهی کودکان در محیط اجتماعی با مشارکت نهادهای مسئول با استفاده از سرپناه‌های ثابت و شبانه‌روزی؛

۶. مطالبات تعاملی یا برمبنای مجاری قانونی در حمایت از برنامه‌های ناظر بر آموزش مهارت زندگی کودکان خیابانی از طریق رسانه‌های جمعی از جمله صدا و سیما؛

۷. ایجاد و تقویت برنامه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی و پیشگیری از بزهکاری کودکان خیابانی در برنامه‌های تعاملی با دانشگاه‌ها و مراکز علمی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع فارسی

- احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی انحرافات، تهران، انتشارات سمت
- برومند، نادر (۱۳۸۰)، "آسیب‌شناسی مدیریت مشارکت جو"، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۱۵
- بخشایشی بایقوت، محرم (۱۳۹۱)، "رویکرد جامعه‌محوری پلیس در پیشگیری از جرم" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- پیدایی، میرمهرداد؛ نوری، فیروز (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی آموزش کارکنان با تأکید بر اثربخشی آن در سازمان‌های ایرانی. تهران، نشر آذر
- توکلی دارستانی، شقایق؛ شهباز مرادی، سعید (۱۳۸۷)، "آسیب‌شناسی مدیریت منابع انسانی با هدف بهبود و توسعه"، فصلنامه مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی"، شماره ۴، صص ۱۰۲ - ۹۴
- حسینی، سید حسن (۱۳۸۴)، "وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران"، فصلنامه رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، شماره ۱۹
- خنیفر، ح (۱۳۸۴)، "ارائه الگوی مدیریت بومی مبتنی بر دیدگاه امام علی (ع) با استفاده از مدل مفهومی سه‌شاخگی"، فصلنامه فرهنگ مدیریت
- دوستانی، علی (۱۳۹۰)، "پلیس ترمیمی و پیشگیری از تکرار جرم" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
- ریموند، گسن (۱۳۷۴)، جرم‌شناسی نظری، ترجمه استادکی نیا، تهران، ناشر مجمع علمی مجد
- سیفاللهی، سیفالله (۱۳۸۱)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، انتشارات جامعه‌پژوهان سینا
- سنجر، هما (۱۳۸۲)، علل فرار نوجوانان از خانه، مجموعه تحقیقات علوم انسانی، انتشار روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان
- شاوردی، تهمینه (۱۳۸۳)، "نگاهی به وضعیت کودکان خیابانی؛ روسپیگری، کودکان خیابان و تکدی"، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، انتشارات آگه
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، مددکاری، تهران، انتشارات ویر
- صالح، علیرضا (۱۳۷۹)، "بررسی ویژگی‌های شناختی، رفتاری و اجتماعی کودکان خیابانی و شبانه‌روزی تهران؛ روسپیگری، کودکان خیابانی، تکدی"، مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، انتشارات آگه

- علیوردی نیا، اکبر (۱۳۹۳)، "مدیریت پیشگیری از جرم در ایران"، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، شماره هشتم، صص ۵۸ - ۳۷
- فرهنگی، علی اکبر و همکاران (۱۳۷۹)، بررسی و شناخت وضع موجود شرکت آب منطقه‌ای کرمان، ارائه اولویت‌های تحقیقات جهت حل برخی از مشکلات سازمان و افزایش بهره‌وری، تهران، مرکز پژوهش‌های کاربری دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- فرهومند، صابر (۱۳۹۲)، "نقش پلیس در پیشگیری از جرم با تأکید بر مشارکت مردم" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، البرز، دانشگاه پیام نور
- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
- قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب سال ۱۳۳۸
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- کی‌نیا (۱۳۷۳)، مبانی جرم‌شناسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران مهر
- مانزینی، آندرو (۱۳۸۵)، آسیب‌شناسی سازمانی با رویکردی کاربردی به حل مشکل و بالندگی در سازمان، ترجمه علی عطافر، مرضیه قبادی پور، سعید آنالویی، تهران، موسسه علمی دانش پژوهان برین
- میرزایی اهرنجانی، حسن (۱۳۷۷)، تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر وجدان کار و انضباط اجتماعی در سازمان، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین
- _____ (۱۳۸۱)، طرح تفصیلی گسترش افقی نو در شناخت و آسیب‌شناسی سازمان‌های عمومی و دولتی ایران (آب منطقه‌ای غرب)، تهران، مرکز پژوهش‌های کاربردی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران
- ملکی، قاسم (۱۳۸۵)، کودکان و نوجوانان خیابانی، تهران، انتشارات ایبیز
- معظمی، شهلا (۱۳۸۲)، فرار دختران؛ چرا؟ تهران، نشر گرایش
- میرزایی مطلق، عباداله (۱۳۸۱)، "نقش پلیس در کاهش و افزایش جرم در استان لرستان" (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، اصفهان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق
- معاهده حقوق کودک مصوب ۱۹۸۵ سازمان ملل متحد
- مقررات پکن مصوب ۱۹۸۵ سازمان ملل متحد
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، "پیشگیری عادلانه از جرم"، (مجموعه مقالات علوم جنایی)، تهران، انتشارات سمت
- یونیسف (۱۳۸۴)، پیمان‌نامه حقوق کودک، تهران، صندوق کودکان سازمان ملل متحد

منابع انگلیسی

- Ekblom, p.(2005). Designing products against Crime, in N. Tilley(ed), Handbook of Crime prevention and Community Safety,. Cullompton: willan.
- Baron, Sw, Kennedy LW(1998) Deterrence and home less male street youth. Canadian journal of criminology. 40(1).
- Goodman Nhapi, T., & Agere, L.(2019). Street Children Revisited: Critical Perspectives on Street-Connected Children in a Fragile Zimbabwean Socioeconomic Climate. *Social Development Issues(Social Development Issues)*, 41(1).
- Harrison MI.(2005) Diagnosing organizations: Methods, Model, and Process. Applied Social Research Methods series;v 8. 3rd Pd.California: SAGP publication,Inc; 2005:1-192.
- Kral AH molnar BE and etal(1997) prevalence of sexual risk behavior and substance use among runaway and home less adolescent's in sanfrancisco 109 -112.
- Martell, R., & Richard, M. (2010). The role of continuing education and training in human resource development: an administrations viewpoint. *Journal of Academic Librarianship*, 40(3), 151-155
- Omega, K.(2019). Healthcare challenges faced by street children on the street of Bungoma Town Bungoma County, Kenya.
- Owobu, A., Ibadin, M. O., Ofovw, G. E., & Abiodun, P. O.(2020). Prevalence, profile and effects of adolescent street children in Benin City, Nigeria. *Annals of Biomedical Sciences*, 19(1), 86-98.
- Peterson, J., DeHart, D., & Wright, E.(2019). Examining the impact of victimization on girls' delinquency: A study of direct and indirect effects. *International journal of environmental research and public health*, 16(11), 1873.
- Sattar, L., & Yasmeen, G.(2019).An Analysis Of Socio-Economic Factors, Community Poverti And Delinquency Of Street Children In Peshawar, Pakistan.